



دوستان ارجمند سلام!

افکار و نگارش این قلم انفرادی و منحصر به فرد است،

ولی اجابت و پذیرش آن اختیار است.

**هر نشست و مجلسیکه ایمان به سیادت قانون ندارد عبث است.**

فقدان حاکمیت قانون متکی به قدرت مجرد چه پیامد های دارد؟

نادیده انگاشتن حاکمیت قانون، تعطیل انفاذ، توقیف کاربُرد و عدم استمرار آن بستر مساعد برای این معضلات خواهد شد:

بحران حقوقی و اختلال نظام امنیتی، اتلاف حقوق اساسی شهروندان، انحطاط و زوال آزادی، عدم رعایت حقوق بشر، نابسامانی تحصیل، عدم زمینه مساعد برای کار و آرامش اجتماعی، قیودات غیر مجاز برای قشر انانث، زدودن کار اداری و رسمیات در ماموریت و امثال چنین معضلات گردیده و سد محکمی در راه رسیدن به عدالت اجتماعی می گردد و چنین حکمروایی مشروعیت داخلی، بین المللی و سیاسی را در بر نخواهد داشت زیرا:

بایسته های یک نظام مشروع سیاسی که ریشه در اراده مردم داشته و وفق روشن آن انتخابات آزاد و توثیق وثیقه ملی یا سند اساسی حقوقی (قانون اساسی) که حاکمیت بر سر اقتدار را در مقابل ملت پاسخگو سازد کارا بوده و مثمر ثمر خواهد شد.

سزاوار تکرار است که برآورده شدن چنین اهداف بر مبنای خرد جمعی اکثریت مطلق در جامعه و پذیرش آنها میسر شده می تواند

بلی! قبض و غصب قدرت باخصلت و اهداف قانون و حقوق حقه ملت و مردم منافات دارد و مشروعیت داخلی و بین المللی و عدالت اجتماعی را نمی پسندد و بر چنین حاکمیت - اطلاق روا بودن از منظر حقوقی و دید جامعه بین المللی نارواست زیرا هر زور و قدرت و یاهر رژیم و نظامیکه خود را در مقابل ملت و مردم پاسخگو نداند و انتخابات را تضمین ننماید و از ایجاد و تسجیل قانون اساسی دایر بر اراده مردم طرفه رود و نیرنگی پیش گیرد که اصالت حقوق اساسی مردم، آزادی، حاکمیت قانون، حقوق بشر، حق تحصیل، حق کار را دایر بر خواست مردم نپذیرد و در راه آسایش و رفاه مردم و جامعه صادقانه عمل نکند و امنیت و آزادی را تضمین ننماید کار ناروا و بی بنیاد است.

پس اگر نتیجه از مؤجز متن بالا پذیرفتنی باشد! این طیف حاکمیت که دیدگاه های اکثریت مطلق مردمی را با خود ندارد و بر داد خواهی مردم چشم بینا و گوش شنوا نیست - قانون مقفل و نظام مختل است بر این بنیاد بر همگان قابل قبول نبوده و مشروعیت آن سخت قابل سوال و بر مبنای نکات آتی الذکر ناکارآمد خواهد بود، ببینید:

۱ - اکثریت مطلق مردم و شهروندان کشور بر حاکمیت زور نظر موافق نداشته و آن را قابل پذیرش و قبول نمی دانند

۲ - جامعه بین المللی با آن سر سازش نداشته و آن را مشروع نمی پندارند

۳ - ملل متحد به آن موافق نیست

۴ - اکثریت کشور ها و ملل جهان در ظاهر و باطن با آن بد بین اند

۵ - و هیچ کشوری چنین مطلق العنانی را به رسمیت نمی شناسند.

۶ - ناگفته هاییکه در این متن و نبشته ولست وردیف بدون ذکر مانده است و بامطالب ارائه شده موافق باشد قابل از دیاد است.

اکنون به چند نکته مهمیکه در محتوای تدویر وگفت وشنوداین اجلاس وزین حقوقدانان محور اصل تعیین شده است می پردازیم:

### استمرار قوانین:

مفهوم ضمنی این عنوان - پیشینه تنفیذ وکاربرد عملی قوانین را می رساند که بی شبهه تأکید استمرار بر همان قوانینکه نافذ بوده اند بر روال قبلی مطلوب است که گزینه اصلی بر زندگی اجتماعی وحاکمیت قانون بوده می تواند ودر حقیقت این امر نتیجه اصلی خواست و تقاضا، احیای تنفیذ و استمرار قوانین مشروع گذشته می باشد.

### مشروعیت قوانین و محور اصل نظم و نظام:

همانطوریکه گفته آمدیم: چون قانون های اساسی نافذ قبلی به صفت مادر قانون با سایر قوانین که ضامن نظم و نظام ساحة تطبیق خود ها بوده واز همان بدو ایجاد بر مبنای اراده مردم طور تخصصی از طریق متخصصین مربوط پی ریزی و تسجیل شده اند پس در تنفیذ، تعدیل و تعطیل هم همان صلاحیت و سویه قانونی یعنی مشروعیت میخواهد. و اگر در کاربرد چنین دگرگونی هاضرورتی احساس نگردد کمال مطلوب آن است تا به تنفیذ و احیای این قوانین که آب حیات جامعه و مردم اند اقدام عاجل و بدون ممانعت صورت گیرد.

### صلاحیت تعطیل و تنفیذ قوانین:

تعدیل و تعطیل تنفیذ و دیگر گونیهای غیر مشروع بر سرنوشت قوانینیکه طور مشروع نافذ بوده اند قدرت و نظام مشروع میخواهد و چنین عملکرد ها اگر منشأ صالح و مشروع نداشته و با تجویز احکام قانون همراه نباشد کار بجا و پذیرفتنی نیست

برفهم و باور من: نتیجه حاصله از مطالب مؤجز ارائه شده این سطور مختصر خواهد بود: نشست های داخلی و خارجی و یامبارزات پیگیر در راه تأمین عدالت اجتماعی که بر پیش زمینه آن یک نظام مشروع بر مبنای انتخابات آزاد و شفاف متکی بر اراده مردم و تسجیل قانون اساسی با حاکمیت صادقانه مجموع قوانین همراه نباشد بی اثر خواهد بود.

ما خوشبختانه چنین قوانین شایسته را در بانک و ذخیره میهن خویش طور نقدینه داریم و آنچه نداریم استمرار تنفیذ و تطبیق سالم آن است که آرزوی رسیدن به آن را داریم.

پیروزی آرزوست.

با حرمت سخی صمیم.